

فلسفه تولی و تبری از نگاه قرآن و روایات

مقدمه

نظام آفرینش بر جذب و دفع بنا نهاده شده است، موجودات عالم هستی آن چه را که سازگار با آنان باشد، جذب و آن چه را که ناسازگار با آنان باشد دفع می کنند. از این رو یکی از قوانین حاکم بر عالم ماده و طبیعت، قانون جاذبه و دافعه است. آدمیان نیز به گونه ای خلق شده اند که حقایق و امور و اشیاء سازگار با خود را جذب و امور ناسازگار با خود را دفع می کنند، خدای سبحان قوه شهوت و غضب را به همین منظور در انسان نهاده است. تا وی با استفاده از آن ها حفظ و بقاء خود را تامین نماید. قوه شهوت را به انسان داده است تا با جذب چیزهایی که مناسب و سازگار با اوست حیات و بقاء او را تضمین کند و قوه غضب را به وی اعطاء کرده است تا با دفع چیزهایی که ناسازگار با اوست و آسیب و گزند بر او وارد می کند، حیات و بقاء خود را تامین گرداند و اگر آدمی از این قوا برخوردار نباشد به طور طبیعی به طرف اموری مانند غذا و آب نمی رود و در برابر حیوانات درنده مقاومتی نمی کند که نتیجه آن چیزی غیر از نابود شدن نخواهد بود.

به لحاظ اجتماعی نیز انسان با توجه به بهره مندی اش از قوه شهوت و غضب با انسان های دیگر انس و الفت برقرار می کند، و در پرتو این انس و الفت با آنان متحد می شود و از نتیجه تلاش آنان برای رفع نیاز خود استفاده می کند. البته خود نیز به رفع نیاز دیگران می پردازد و در پرتو همین اتحاد است که اگر کسی یا کسانی یا چیزهایی بخواهند آن ها را مورد تهاجم و حمله قرار دهند، به دفاع از خودشان می پردازند.

دین اسلام نیز که برای هدایت انسان در همه اعصار نازل شده و هماهنگ با فطرت و نظام تکوین است به این اصل اساسی عامل بقاء و حیات انسان توجه کرده است از این رو ایمان و دین را جز حب و بغض و دوستی و دشمنی ندانسته است که با دوستی حق و حق پرستان و دشمنی باطل و باطل پرستان آدمی می تواند حیات حقیقی و انسانی خود را حفظ کند.

امام باقر (ع) به زیاد حذا فرمود: «هل الدين الا الحب الا ترى هل الدين إلا الحب، ألا ترى إلى قول الله تعالى: ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾^۱؟ أ و لا ترى قول الله لمحمد (صلى الله عليه و آله): ﴿حَبَبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾^۲؟ و قال: ﴿يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ﴾^۳ فقال الدين هو الحب، و الحب هو الدين»^۴ آیا دین چیزی جز محبت است، آیا نمی بینی که خدای سبحان در قرآن فرمود: اگر خدا را دوست دارید پیامبر را اطاعت و تبعیت کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد و گناهان شما را ببخشد، آیا مشاهده نمی کنید که خدا به پیامبر اکرم (ص) فرمود: خدای سبحان ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلهای شما زینت داده است، و فرمود خدا مهاجران را دوست دارد. پس از آیات، فرمود: دین محبت است و محبت دین.

در روایتی از امام صادق (ع) سوال شد که آیا حب و بغض از ایمان است؟ حضرت در پاسخ فرمود: «هل الايمان الا الحب و البغض»^۵ ایمان جز حب و بغض چیزی دیگری نیست.

۱ . سوره آل عمران، آیه ۳۱

۲ . سوره حجرات، آیه ۷

۳ . سوره حشر، آیه ۹

۴ . البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۰۳

۵ . الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵

ناگفته نماند: اسلامی که ایمان و دین را دوستی و دشمنی می داند، مرادش از این حب و بغض، حب و بغضی است که محور آن خدا و برای خدا باشد، در واقع این نوع پیوند است که در تعالیم دینی ارزشمند است. به عبارت دیگر بر اساس آئین اسلام پیوستن و گسستن اگر در چارچوب آموزه های اسلام و برای رضای خدا و به دیگر سخن مکتبی باشد، پیوستن و گسستن است که انسان ها را به یکدیگر پیوند داده و آن چنان آن ها را به یکدیگر مربوط می سازد که هر پیوندی تحت الشعاع آن است و گرنه پیوندهایی که تحت تأثیر خویشاوندی و منافع شخصی باشد دچار تزلزل می گردد. از این رو امام صادق (ع) فرمود: ایمان کامل برخاسته از دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا و بخشیدن برای خدا است.

در حدیث دیگری می خوانیم: «مَنْ أُوْتِقَ عُرَى الْإِيْمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ تُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَ تُعْطَى فِي اللَّهِ وَ تَمْنَعَ فِي اللَّهِ»؛ از محکم ترین دسیت گیره های ایمان آن است که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری و برای خدا ببخشی و برای منع کنی. بنابراین حب و بغض برای خدا اساس دین است که آدمی باید آن را تحصیل کند و بالاتر از آن، باید در زندگی خود آن را نشان دهد.

تولی و تبری

یکی از تعالیم و حقایقی که اسلام و قرآن ما را به آن فرا خوانده است آموزه تولی و تبری است که انسان مسلمان و مومن باید آن را پذیرفته و زندگی دینی و ایمانی خود را بر آن اساس شکل دهد. یعنی انسان مومن نه تنها باید خدا و پیامبر و اولیاء الهی را دوست داشته باشد بلکه باید آن های را ولی خود

۶. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵.

قرار دهد، و نه تنها باید شیطان و اولیاء شیطان و طاغوت را دشمن بدارد بلکه باید از آنان جدا شود و بین خود و آن‌ها گسست و فاصله ایجاد کند. ما در این گفتار به مطالبی چند پیرامون این دو اصل می‌پردازیم که اولاً حقیقت تولی و تبری چیست؟ نسبت به چه کسانی باید تولی و تبری داشته باشیم؟ چرا باید اهل تولی و تبری باشیم و مسائلی مانند آن.

مفهوم و حقیقت تولی و تبری

تولی در لغت به معنای دوستی کردن، ولی قرار دادن، ولایت دادن، کاری را به عهده گرفتن و همچنین به معنای دوستی و محبت است. تبری به معنای بیزارى جستن و بیزار شدن است. واژه تولی گاه بدون حرف (عن) و گاه با آن استعمال می‌شود، در صورتی که بدون حرف (عن) استعمال شود به همان معنای لغوی یعنی دوست داشتن کسی و پیروی کردن از او و ولی گرفتن وی و یاری رساندن به او ذکر شده، و در صورتی که با حرف (عن) به کار رود به معنای روی گرداندن است.

در قرآن کریم در بیشتر موارد به معنای برگشتن و پشت کردن آمده است. ولی در آیاتی نیز به معنای اول به کار رفته است؛ از باب مثال در آیه ۵۱ سوره مائده می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوست و تکیه گاه خود انتخاب نکنید، آنها اولیای یکدیگرند و کسانی که از شما با آنان دوستی کند از آنها هستند، خدای سبحان جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند. در منابع شیعی تولی به معنای دوست داشتن، تصدیق و تبعیت و پذیرش ولایت خدا و پیامبر و ائمه (ع) است. از جمله آیاتی که برای این معنا، به آن استشهاد شده است آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مبارکه مائده است که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ

الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٧﴾؛ سرپرست و ولی شما فقط خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده اند همان هایی که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند زیرا حزب و جمعیت خدا پیروز است.» در تفاسیر، مصداق مومنانی که در نماز در حال رکوع زکات می دهند، را علی بن ابی طالب (ع) می دانند و با استناد به این آیه تنها ولی و سرپرست خدا و پیامبر (ص) و افراد با ایمان - یعنی ائمه (ع) - را بپذیرد پیروز خواهد بود.

مودت اهل بیت، مزد رسالت

به لحاظ این که تولی از آموزه های مهم در تعالیم اسلام است پیامبر اکرم (ص) آن را مزد رسالت قرار داده و به امر خدا فرموده است: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾؛ ای پیامبر بگو: من هیچ اجر و پاداشی بر موضوع رسالت از شما درخواست نمی کنم جز این که ذوی القربی مرا دوست بدارید. دوستی ذوی القربای پیامبر در واقع همان تولی و قبول ولایت و رهبری ائمه معصومین (ع) از دودمان پیامبر است که در حقیقت تداوم رهبری پیامبر و ادامه ولایت الهی است.

ناگفته نماند که پذیرش محبت و ذوی القربی و ائمه معصومین، در واقع به سود خود انسان است چنان که در سوره سبا، آیه ۴۷ فرمود: ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾؛ بگو پاداشی را که از شما خواستم تنها به سود شماست، اجر و پاداش من فقط بر خداوند است. یعنی پیامبر در مقام انجام وظیفه رسالت جز از خدا پاداشی نمی خواهد و اگر محبت ائمه

۷. سوره مائده، آیات ۵۵ - ۵۶

۸. سوره شوری، آیه ۲۳.

را پاداش رسالت خود قرار داده برای آن است که تنها راه رسیدن به سعادت و راهیابی به قرب الهی، محبت به اهل بیت و اعتصام به حبل الهی و توسل به آن هاست چنان که در سوره فرقان، آیه ۵۷ فرمود: ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾؛ بگو من برای ابلاغ رسالت هیچ گونه پاداشی از شما نمی خواهم مگر کسانی که بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند. بنابراین راه قرب الهی محبت به اهل بیت است.

تبری نیز از آموزه های اعتقادی و رفتاری بوده و به معنای دوری جستن از دشمنان خدا است. این اصطلاح نیز مانند تولی ریشه در قرآن کریم دارد و در آن دارای کاربرهای فراوانی است و به معنای تبری جستن امامان ضلالت از پیروان خود در قیامت و آرزوی پیروان ایشان برای بازگشت به دنیا برای تبری جستن از آن امامان است. در سوره مبارکه بقره آیات ۱۶۶ و ۱۶۷ می فرماید: ﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوْا الْعَذَابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ * وَ قَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كَرِهْنَا فَنَتَّبِعَهُمُ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَ مَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾؛ در آن هنگام رهبران گمراه و گمراه کننده از پیروان خود بیزاری می جویند و کیفر خدا را مشاهده می کنند و دستشان از همه جا کوتاه می شود و در این هنگام پیروان می گویند کاش بار دیگر به دنیا باز می گشتیم تا از آنها (پیشوایان گمراه کننده) بیزاری جویم آن چنان که آنان امروز از ما بیزاری جستنند، (آری) خداوند این چنین اعمال آنها را به صورت حسرت زایی به آنان نشان می دهد و هرگز از آتش دوزخ خارج نخواهند شد. تبری در این آیه به معنای فاصله گرفتن انسان از چیزی است که خوش ندارد با آن باشد و با وزن تفاعل به معنای قبول جدایی و فاصله گیری است و چون پیشوایان گمراه و پیروان آن ها نسبت به یکدیگر چنین حالتی دارند از هم فاصله می گیرند و از هم جدا می شوند.

در منابع دینی شیعی این واژه به معنای بیزاری جستن و فاصله گرفتن از طاغوت، باطل، بت ها، پیشوایان باطل و گمراه، شرک و بت پرستی، بیزاری از دشمنان اولیاء الهی به کار می رود. چنان که روشن است اصطلاح تبری ریشه در قرآن کریم دارد در قرآن کریم علاوه بر این که یک سوره با برائت خدا و پیامبرش از مشرکان آغاز شده و از این رو برائت نام گرفته است، در ۳۰ مورد این واژه و مشتقات آن به کار رفته است از جمله آنها تبری جستن ابراهیم و پیروانش از قومش^۹ و آزر^{۱۰} و از معبودهایشان و اظهار برائت پیامبر اکرم (ص) از مخالفان خود^{۱۱} و گواهی گرفتن هود از خدا و قومش بر برائت از شرک^{۱۲} و مانند آن است.

باتوجه به تاکید قرآن کریم به تبری، فرقه های مذاهب اسلامی معتقد به تبری بوده و اختلافی در مفهوم کلی، ضرورت و اهمیت آن وجود ندارند. ولی در خصوص مصداق دشمنی خدا و نیز معیار خروج از دین اختلافی پیدا کرده اند. شیعیان اعتقاد دارند که تبری از آموزه های اساسی این مذهب است آنها اعتقاد به امامت با قید منصوص بودن دنباله رسالت و ضامن حفظ و بقای اسلام است و دوازده امام پس از پیامبر (ص)، معصوم و منصوص از جانب خدایند.

بر پایه این اعتقاد، امامان نگهدارنده دین از تحریف و دگرگونی در عقاید و اعمالند، و دشمنان آنان کسانی اند که مانع تحقق امامت و در واقع مانع تحقق صورت ناب و حقیقی اسلام بودند و یا با اهل بیت

۹. سوره ممتحنه، آیه ۴.

۱۰. سوره توبه، آیه ۱۱۴.

۱۱. سوره یونس، آیه ۴۱.

۱۲. سوره هود، آیه ۵۴.

پیامبر کینه توزی داشته اند و این دشمنان در واقع دشمنان خدایند و تبری از آنان واجب است.

امامان شیعه نیز به مناسبت های مختلف، تبری را از لوازم اسلام و ایمان خوانده و آن را واجب دانسته اند و مصادیق مشمول این حکم را کسانی می دانند که به عترت پیامبر ظلم کرده اند، حرمت ایشان را شکستند، سنت رسول خدا را تغییر دادند، برگزیدگان اصحاب پیامبر را تبعید نمودند، اموال فقرا را بین ثروتمندان تقسیم کردند. ناکثین و پیمان شکنان جنگ جمل و قاسطین و معاویه و پیروانش و مارقین که با علی (ع) به مخالفت برخاستند. تمام پیشوایان گمراهی و رهبران ستمکار قاتل حضرت علی (ع) و قاتلان ائمه (ع) و اهل بیت (ع) از کسانی اند که تبری از آنان لازم است. زیارت هایی که از ائمه معصومین (ع) به جای مانده که شیعیان باید آنها را هنگام زیارت آنان بخوانند سندی است که شیعیان با خواندن آن، برائت خود را نسبت به ظالمان در حق ائمه اظهار می داند.

تبری از چه؟

در قرآن کریم در سوره های مختلف مشخص کرده است که برائت از شرک و بت پرستی و رهبران شرک و گمراهی و معبوه های آنان از مصادیق تبری ابراهیم و همگامانش سخن به میان می آورد و می فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾^{۱۳}؛ برای شما تاسی نیکی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او وجود داشت، هنگامی که به قوم مشرک خود گفتند: ما از شما و آن چه غیر از خدا می پرستید بیزاریم. ما نسبت به شما کافریم و میان ما و شما عداوت و دشمنی

۱۳. سوره ممتحنه، آیه ۴.

همیشگی آشکار شده است و این وضع همچنان ادامه دارد تا به خدای یگانه ایمان بیاورید.

با توجه به این که در آغاز سوره از دوستی با دشمنان خدا به شدت نهی کرده است در آیه به

معرفی الگو پرداخته که مورد احترام است و آن حضرت ابراهیم است که به قوم مشرک خود فرمود: «ما

نه شما را قبول داریم و نه آئین و مذهبتان را و بالاتر، ما از شما و بت هایتان متنفریم و با نهایت قاطعیت

و بدون هیچگونه پرده پوشی از شما بیزاری جسته و اعلام جدایی می کنیم.»

در همین سوره در مرتبه دوم بر تاسی مسلمانان به ابراهیم و پیروانش و الگوگیری از آن حضرت

تکیه می کند و می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يُتَوَلَّ

فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾^{۱۴}؛ برای شما مسلمانان در برنامه زندگی آنها اسوه و الگوی نیکویی بود برای

آن ها که امید به خدا و روز قیامت دارند و هر کس سربچی کند و با دشمنان خدا طرح دوستی بریزد به

خودش ضرر زده و خداوند نیازی به او ندارد زیرا که خدا از همگان بی نیاز و شایسته هرگونه حمد و

ستایش است.»

شرائط تحقق تولى و تبرى

باتوجه به این که تولى یعنی عقیده مندی به امامت و خلافت ائمه اطهار (ع) بعد از پیامبر اکرم

(ص) و محبت به آنان و پیروی از آنان و تبرى یعنی دشمنی و بیزاری از دشمنان آنان از تکالیفی است

که متوجه هر مسلمانی است برای تحقق آن شرائطی لازم است و آن شرائط عبارتند از:

۱۴. همان، آیه ۶.

تحقق تولی و تبری به معرفت کامل اهل بیت پیامبر (ص) و ائمه معصومین و شناخت صفات و احوال آنان و شناخت کافی نسبت به دشمنان و صفات رذیله و عقاید باطل و اعمال ناپسند آن‌ها بستگی دارد از این رو بر مسلمان لازم است با شناخت فضائل و کمالات امامان و جایگاه آنان در نظام هستی و زندگی اجتماعی انسان نسبت به آنها به فلاح و رستگاری نائل شوند، و همچنین برای تحقق تبری لازم است دشمنان اهل بیت را بشناسند و از ویژگی‌ها و رذایل آنها آگاهی پیدا کنند که نتیجه آن‌ها انزجار و تنفر و بیزاری جستن از آن‌هاست.

در روایات، معرفت ائمه و اولیاء الهی و محبت به آنها حسنه شمرده شده و نشناختن آن‌ها سیئه معرفی شده است. امام باقر (ع) فرمود: ابو عبدالله به امیر المؤمنین (ع) وارد شده امام خطاب به او گفت: می‌خواهی تو را نسبت به این آیه شریفه ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ * و مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُتِبَتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۱۵}، آگاه کنم، سپس فرمود: «حسنة، معرفت ولایت و حب اهل بیت و سیئه، انکار ولایت و بغض اهل البیت است. سپس این آیه را خواند:»^{۱۶}

تلازم تولی و تبری

بدون تردید ولایت ائمه با دو شرط سبب نجات است یکی عقیده مندی به امامت ائمه و این که آن‌ها جانشینان پیامبر و واجب اطاعه هستند، دوم تبری و بیزاری جستن از دشمنان و ستمگران به اهل

۱۵. سوره نمل، آیات ۸۹ و ۹۰

۱۶. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۵.

بیت.

بنابراین تولی و تبری ملازم هم هستند یعنی تولی و تبری باید با هم باشند و به همین دلیل تولی و پذیرش و ولایت امام شرط دست یافتن به یقین در امر دین خواهد بود. چنان چه امام باقر (ع) تولای ائمه و تبری از دشمنان آنان را از ارکان معرفت خدا که به عبادت حقیقی او منتهی می شود، دانسته است. ابی حمزه می گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: «إِنَّمَا يَعْبُدُ اللَّهُ مَنْ يَعْرِفُ اللَّهَ فَأَمَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ فَإِنَّمَا يَعْبُدُهُ هَكَذَا ضَلَالًا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ تَصَدِّقُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَصَدِّقُ رَسُولَهُ صَ وَ مُوَالَاةُ عَلِيٍّ عَ وَ الْإِتِّمَامُ بِهِ وَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى عَ وَ الْبَرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ هَكَذَا يَعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ^{۱۷}؛ کسی خدا را عبادت می کند که او را شناخته باشد و اگر کسی خدا را نشناسد او را گمراهانه عبادت می کند. ابی حمزه می گوید: از آن حضرت پرسیدم: شناخت و معرفت خدا چیست؟ فرمود: تصدیق و باور به خدا و باور به رسول خدا و ولایت علی (ع) را داشتن و امامت و پیشوایی او و پیشوایان هدایت را پذیرفتن و از دشمنان آنها در نزد خدا بیزاری جستن، حقیقت معرفت خداست.

در روایت دیگری ابو حمزه ثمالی از امام باقر (ع) نقل می کند که به او فرمود: ای ابو حمزه عبادت خدا را کسی می کند که خدا را بشناسد و اما کسی که خدا را شناخت مثل آن است که او را در حال گمراهی عبادت می کند، عرض کردم: معرفت خدا چیست؟ فرمود: خدا و رسول الله را تصدیق کند، به حضرت امیر (ع) و ائمه هدا بعد از آن حضرت اقتدا کند و از دشمنان آن ها بیزاری جوید. این است معرفت خدا، عرض کردم، اصلحک الله چه چیزی است که آن را بدانم حقیقت ایمان را کامل کرده ام؟

۱۷. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

فرمودند: دوست داشتن اولیای خدا، دشمنی با دشمنان خدا و این که با صادقان باشی همچنان که خدا به تو امر کرده، عرض کردم اولیاء و دوستان خدا و دشمنان خدا کیانند؟ فرمود: دوستان خدا، محمد رسول الله (ص) و علی و حسن و حسین (ع) و علی بن الحسین (ع) هستند سپس امر به ما رسیده سپس پسرم جعفر و اشاره فرمود به حضرت جعفر (ع) در حالی که آن حضرت نشسته بودند سپس فرمودند: کسی که با آن ها دوستی کند پس به تحقیق با اولیاء الله دوستی کرده و چنین شخصی با صادقان باشد آن سان که خدای تعالی به وی امر کرده است. بنابراین باید تولی و تبری با هم در انسان تحقق پیدا کند تا نتیجه بخش باشد.

اقتداء عملی به اولیاء الهی و انزجار عملی از دشمنان

در صورتی تولی و تبری در کمال ایمان و معرفت الهی موثر است که آدمی اولیاء الهی و ائمه اهل بیت را الگو و اسوه خود قرار داده و به آن ها اقتدا کند و فضائل و کمالات آن ها را در خود ایجاد نماید و رذایل دشمنان آنها را بشناسد و از آنها دوری جوید.

از این رو علامت محبت به اهل بیت عمل کردن بر اساس عمل آنان دانسته شده است. امام علی (ع) فرمود: «من أحبنا فليعمل بعملنا و لیتجلبب الورع»^{۱۸}؛ کسی که ما را دوست بدارد به عمل ما عمل می کند و لباس ورع و پرهیزکاری را بر خود می پوشاند.

امام صادق (ع) خطاب به شیعیانی که بین قبر پیامبر (ص) و منبر آن حضرت بود فرمود: «إِنِّي وَ اللَّهِ لَأُحِبُّ رِيَا حَكُمُ وَ أَرْوَا حَكُمُ فَأَعِينُونِي عَلَى ذَلِكَ بَوْرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّ وَ لَائِنَّا لَا تُتَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ

۱۸ . غرالحکم، ص ۶۱۸

وَالْجَاهِدَ وَمَنْ أَنْتُمْ مِنْكُمْ بَعْدَ فُلْيَعْمَلْ بِعَمَلِهِ أَنْتُمْ شِيعَةُ اللَّهِ وَأَنْتُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ»^{۱۹}؛ به خدا قسم من شما را و ارواح شما را دوست دارم و شما با ورع و تلاش مرا بر این محبت کمک کنید. بدانید که ولایت ما به کسی می‌سد که ما را با ورع و تلاش کمک کند و کسی که به عبدی اقتدا کند باید به عمل او اقتدا نماید، شما شیعیان خدا و انصار خدا هستید.

آثار محبت اهل بیت

اطمینان و آرامش قلب

امام علی(ع) فرمود: هنگامی که آیه ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^{۲۰}؛ نازل شد پیامبر اکرم(ص) فرمود: این مربوط به کسانی است که خدا و رسولش را دوست داشته باشد؛ «وَ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي صَادِقًا غَيْرَ كَاذِبٍ وَ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ شَاهِدًا وَ غَائِبًا أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ يَتَحَاطَّوْا»^{۲۱}؛ کسی که اهل بیت مرا صادقانه و بدون دروغ دوست داشته باشد و مومنان را در حضور و غیاب دوست داشته باشد. آگاه باشید با یاد خدا همدیگر را دوست دارند.

حکمت

امام صادق(ع) فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ حَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ جَرَى يَنْابِيعُ الْحِكْمَةِ عَلَى لِسَانِهِ وَ جُدَّدَ الْإِيمَانُ»^{۲۲}؛ کسی که اهل بیت ما را دوست داشته باشد و محبت ما در قلب او تثبیت شود چشمه های

۱۹. الکافی، ج ۸، ص ۲۱۲ - ۲۱۳

۲۰. سوره رعد، آیه ۲۸.

۲۱. کنز العمال، ج ۲، ص ۴۴۲.

۲۲. محاسن، ج ۱، ص ۶۱.

حکمت بر زبانش جاری می شود و ایمان در قلبش تازه می گردد.»

استکمال دین

پیامبر خدا(ص) فرمود: «حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي وَ ذُرِّيَّتِي اسْتِكْمَالُ الدِّينِ»^{۲۳}؛ محبت به اهل بیت و ذریه من

سبب کامل شدن دین است.

امنیت در قیامت

پیامبر خدا فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَسَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^{۲۴}؛ کسی که ما اهل بیت

را دوست داشته باشد خدای سبحان او را در روز قیامت با امان محشور فرماید.

بالاخره محبت اهل بیت آثار فراوانی چون خلاصی از گناهان، نور و روشنایی روز قیامت، ثبات و

پایداری بر صراط و نجات از جهنم و ورود به بهشت و محشور شدن با ائمه و خیر دنیا و آخرت، به

دنبال دارد. از این جهت لازم است مومنان تلاش کنند تا محبت اهل بیت را در خود محقق ساخته و در

عمل به آنها اقتدا کنند و آنها را الگوی خود قرار دهند و در کنار آن از دشمنان آنها تبری جویند و یکی

از راه های ابراز تولی و تبری خواندن زیارت ها و توجه به متن آنها به ویژه زیارت جامعه کبیره است.

فلسفه تولی و تبری

با توجه به این که تولی پذیرش ولایت و سرپرستی و امامت و رهبری ائمه معصومین(ع) و اهل

بیت پیامبر(ص) است و تبری بیزاری جستن از دشمنان آنها، و با توجه به این که تولی و تبری بالاتر از

شهوت و غضبی است که در حیوان است و بالاتر از محبت و عداوت و ارادت و کراهت است که از

۲۳. الامالی (صدوق)، ص ۱۹۲

۲۴. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۸.

ویژگی های اولیاء حق و مومنان است که با آن دوستی و دشمنی را روح می دهد و باطن محبت را به انسان می چشاند، روشن می شود که تولی و تبری دارای فلسفه و حکمت وهمی است و آنها عبارتند از:

تکامل معنوی

از آن جایی که هر جنسی به جنس خود تمایل دارد و از غیر جنس خود گریزان، انسانی که تولی اولیاء الهی و تبری دشمنان آن ها را با عمق جان بدست آورد خود را به ویژگی های مثبت اولیاء الهی می آراید و از زشتی دشمنان آنها دوری می کند و در قیامت نیز با اولیاء الهی محشور می شود از این رو پیامبر فرمود: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ»^{۲۵}؛ انسان با محبوب خویش همراه است و با او محشور می شود. این همراهی در عمل به همراهی با آن ها در رفتار منتهی خواهد شد.

انسجام اجتماعی و مصونیت از آسیب دشمنان

انسانی که دارای تولی و تبری است از سویی با انسان هایی که دارای این ویژگی هستند متحد شده و در پرتو اتحاد، انسجام اجتماعی ایجاد شده که نتیجه آن پیروزی است و از سویی با تبری به دشمنان حق نزدیک نشده و آن ها را به اسرار خود راه نمی دهد و در نتیجه بیگانگی با دشمن را حفظ و به صودرت بیگانه با او برخورد می کند که پی آمد آن مصونیت از آفات و آسیب های دشمنان است از این رو قرآن کریم می گوید: اولاً کفار را اولیاء اتخاذ نکنید، و ثانیاً آن ها را بطانه و آگاه به اسرار خود قرار ندهید، و ثالثاً بدانید کسی که با آنها دوستی کند از آنها خواهد بود. پس دوری از آنها ضروری است قرآن می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ

۲۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۷

مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٦﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری را ولی و دوست و تکیه گاه خود انتخاب نکنید آن ها اولیاء یکدیگرند و کسانی که از شما با آنها دوستی کنند از آنها هستند، خدای سبحان جمعیت ستمکار را دوست ندارد.

و نیز فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٧﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، محرم اسرار از غیر خود انتخاب نکنید، آنها از هرگونه شر و فسادى درباره شما کوتاهی نمی کنند، آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید، نشانه های دشمنی آنان از دهان و کلامشان آشکار شده و آن چه در دلهايشان پنهان می دارند از آن مهمتر است. ما آیات و راه های پیشگیری از شر آنها را برای شما بیان کریم اگر اندیشه کنید.

نتیجه گیری

یکی از وظائف مومنان حقیقی تولى و تبرى است که با معرفت اولیاء الهی و دشمنان آنان حاصل می شود و با پیروی از آنان در آدمی تثبیت می شود و در نتیجه انسان به کمال رسیده و به نعمت الهی دست می یابد و از نظر اجتماعی به اتحاد و همبستگی رسیده و از خطرها و آفات آنها مصون می ماند و به سوی ترقی و تکامل معنوی و مادی دست می یابد.

۲۶. سوره مائده، آیه ۵۱

۲۷. سوره آل عمران، آیه ۱۱۸.